

ORIGINAL ARTICLE

تأثیر مکتب جندی شاپور بر مکتب پزشکی بغداد

The Effect of Jundishapur School on Baghdad Medical School

Seyyed Alireza Golshani^{1,2}, Hassan Yarmohammadi^{1,3}, Babak Daneshfard³

1-Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2- Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

3-Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Correspondence: Babak Daneshfard; Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
babakdaneshfard@gmail.com

Abstract

One of the great schools of medical knowledge that had been the light of the past to the future is Jundishapur School. We sought to introduce just a little of this magnificent persian civilization in this study. The aim of this study was reviewing the effect of Jundishapur medical school and hospital on Baghdad medical school and hospital. Effectiveness of this great scientific center at that time was so much that transmission of its culture to the center of islamic caliphate in Baghdad, led to prosperity and excellence of Baghdad school.

Key words: Jundishapur Medical School and Hospital, Baghdad School, History of medicine, Abbasian Caliphate

Received: 10 Apr 2013; Accepted: 22 Apr 2013; Online published: 8 May 2013

Research on History of Medicine/ 2013 May; 2(2): 49-56.

سید علیرضا گلشنی^{۱,۲}

حسن یارمحمدی^{۱,۳}

بابک دانش فرد^۳

۱- دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

شیراز، شیراز، ایران

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: بابک دانش فرد، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

babakdaneshfard@gmail.com



خلاصه مقاله

یکی از مکاتب عظیم دانش پزشکی که چراغ راه گذشته به آینده بوده و در این پژوهش در صدد معرفی گوشه ای از این شکوه تمدنی ایرانی هستیم، مکتب دارالعلم جندی شاپور می باشد. بازبینی تأثیر مکتب پزشکی و بیمارستانی جندی شاپور بر مکتب پزشکی و بیمارستانی بغداد هدف پژوهش در این تحقیق می باشد. تأثیر گذاری بیمارستان و مدرسه جندی شاپور در آن دوران به حدی بوده که انتقال فرهنگ غنی جندی شاپور به مرکز خلافت اسلامی در بغداد، سبب رونق و تعالی مکتب دارالعلم بغداد شده است.

اگر چه این اسناد خالی از بغض و غرض ورزیهای سیاسی نیست اما از آنجا که مساله پزشکی و قرنطینه، مساله ای غیر سیاسی است، این گزارش ها نسبت به دیگر اسناد از اعتبار بیشتری برخوردار است.

کلمات کلیدی: دارالعلم بغداد، بیمارستان و مدرسه جندی شاپور، طب، خلافت عباسی

مقدمه

پس از ظهور اسلام، علم طب از نخستین علمی بود که مورد توجه مسلمانان واقع شد و مخصوصاً در دوره نهضت علمی اسلامی در دوره خلافت عباسیان پیشرفت روزافزونی یافت. کتاب های طبی از مراکز علمی چون جندی شاپور از زبان های یونانی، سریانی، پهلوی و سانسکریت به عربی ترجمه شد و دانش طب ملل دیگر نیز که در این دارالعلم تمرکز یافته بود در میان مسلمانان راه یافت. دانشمندان مترجم مانند اسحاق بن حنین کندی و پسرش حنین بن اسحاق و ثابت بن قره به ترجمه آثار علمی پرداختند و اطبای بزرگ و داروشناسان مشهوری ظهور کردند که آثار برخی از آنان قرن ها در اروپا جزء کتاب های درسی بود.¹ از بزرگان علم طب در مرکز جندی شاپور که به مرکز خلافت راه یافتند می توان به خاندان بختشیوع، آل ماسویه، خاندان ابن سهل و علی بن عباس معجوسی اهوازی اشاره کرد. چون دانشمندان دوره اسلامی تألیفات خود را اغلب به زبان عربی که زبان علمی آن دوره بود می نوشتند، در مغرب زمین آنها را به عنوان اطبای عرب می شناختند؛ حال آنکه بیشتر آنان ایرانی یا از ملل دیگر بوده اند. آنچه گویای توان علمی و ارزش ویژه دانشمندان مسلمان می باشد، تلاش موفق آنان در تطبیق دانش پزشکی مربوط به ملل دیگر با نیازهای اهالی قلمرو اسلامی است. در این میان ایرانیان که در دربار خلفای عباسی جایگاهی ممتاز داشتند، در زمینه علم طب نیز ارزش والای خود را به اثبات رساندند.^{2,3}

پیشینه جندی شاپور

شهر گندی شاپور به دستور شاهپور اول ساسانی در سال ۲۴۱ بعد از پیروزی بر امپراطور بزرگ روم (والرین) در خوزستان کنونی، در ۳۰ کیلومتری شرق شوش، ۱۸ کیلومتری جنوب غربی دزفول و ۵۰ کیلومتری شمال غرب شوشتر (نزدیک اسلام آباد کنونی) تأسیس گردید. نام اصلی گندی شاپور که معرب آن جندی شاپور است به زبان پهلوی «وه آندوشاه پوهر» (*Veh Andivi Shahpuhr*) بوده است که معنای آن شهر شاپور بهتر از انطاکیه می باشد.⁴

بنا به روایتی شاپور اول در سال ۲۷۱ میلادی دستور داد دانشگاهی نیز به نام دانشگاه گندی شاپور به همراه بیمارستان آموزشی و کتابخانه ساخته شود و در نهایت دستور به جمع آوری و ترجمه کتب علمی آن زمان داد که این خود زمینه ساز شکل-گیری مکتبی علمی در این شهر گردید.⁵

شاپور دوم نیز با بازسازی دانشگاه و کتابخانه و بیمارستان جندی شاپور نقش مهمی را در تبدیل این مرکز علمی به یکی از قطب های علمی روز ایفا نمود. زمان شاپور دوم در گندی شاپور علاوه بر گیاه پزشکی (پزشکی داخلی)، کارد پزشکی (جراحی)، مانتره پزشکی (روان شناسی)، داروسازی و ستور پزشکی (دامپزشکی) نیز آموزش داده می شد.⁶

در زمان این پادشاه ساسانی شهرت جهانی دانشکده پزشکی گندی شاپور در مراکز علمی جهان به قدری بود که در کمتر از ۱۰ سال بیش از ۱۰۰ پزشک، استاد و فیلسوف از کشورهای یونان، روم، سیسیل، مصر، هند و چین به گندی

- 1- Browne, 1986: 34-7.
- 2- Bik, 1993: 111.
- 3- Elgood, 2007: 92.
- 4- Ghirshman, 1958: 134.
- 5- Frye, 1985: 126.
- 6- Ahmadzadeh, 2009: 4.



شاپور آمدند و شاپور مقدم همه آنها را گرمی داشت و با مزایای بیشتر از سرزمین خودشان، آن ها را جذب کرد که این خود باعث رشد چشمگیر دانشگاه گندی شاپور نه تنها در علم پزشکی بلکه در علوم دیگری نظیر فلسفه و حکمت، ریاضی، نجوم و فیزیک نیز شد.⁷

عصر طلایی گندی شاپور مربوط به سال ۵۳۱ میلادی یعنی زمان سلطنت خسرو انوشیروان (۵۷۹ تا ۵۳۱ میلادی) است. این پادشاه بر توسعه دانشگاه و بیمارستان گندی شاپور همت بسیار گماشت و استادان بیشتری را از یونان و روم و هند به تدریس دعوت کرد. هنگامی که ژوستینین امپراتور روم شرقی (۵۲۹ میلادی) دانشگاه آتن و اسکندریه و رها را تعطیل کرد انوشیروان استادان آنها از جمله ۷ دانشمند نامی آن زمان را با آغوش باز پذیرفت. در زمان او برای جذب هیئت علمی، استخدام و درجه بندی آن ها قوانینی وجود داشت.⁸

همچنین برای ارزیابی فارغ التحصیلان مقرراتی تدوین شده بود و پس از اتمام آزمون پروانه پزشکی به آنان اعطا می شد. علاوه بر علم طب در سایر علوم منجمه ریاضیات، فنون جنگی، معماری و غیره نیز این دانشگاه توسعه یافت. گفته اند در زمان انوشیروان نزدیک به ۵۰۰ استاد در دانشگاه گندی شاپور تدریس نموده و ۵۰۰۰ دانش پژوه تحصیل می کرده اند.⁹

در زمان انوشیروان انجمن پزشکان تشکیل شده بود به طوری که سالی یکبار در تالارهای بیمارستان گندی شاپور تشکیل جلسه می داد. اعضای انجمن برجسته ترین پزشکان بودند. در این جلسات آخرین دستاوردهای علمی مبادله می شد و هر بار درباره موضوعی از طب بحث می شد. نخستین کنگره بین المللی نیز در حضور انوشیروان در سال ۵۵۵ میلادی در شهر تیسفون برگزار شد که در آن از دانشمندان سراسر جهان آن روز دعوت به عمل آمده بود.^{10,11}

مدرسه طب گندی شاپور و بیمارستان آن در اواخر عهد ساسانی به مراحل عالی ارتقاء جست. زیرا در این مدرسه از تجارب علمی ملل مختلف یعنی طب ایرانیان، هندوان، یونانیان، اسکندریاییان و علمای سریانی زبان استفاده می شد به گونه ای که این دانشگاه کانون اصلی انتقال دانش میان خاور و باختر بود و گندی شاپور به یک شهر دانشگاهی بزرگ جهانی تبدیل شد و به نام شهر علم در جهان شهرت یافت. در سال ۵۴۰ میلادی دانشگاه گندی شاپور و به ویژه علوم پزشکی توسعه عظیمی پیدا کرد. در آن دوره بر سر در این دانشگاه در دوره ساسانی چنین آمده بود: «دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است».^{12,13}

شهرت مدرسه طب گندی شاپور، بیمارستان و روسای آن تا مدتی از دوره اسلامی هم به قوت سابق باقی ماند. چنانکه ابو جعفر منصور دوانقی در سال ۱۴۸ هجری قمری به توصیه طبیبان برای درمان بیماری معده خویش از رئیس بیمارستان جندی شاپور بختیشوع پسر جورجیس استفاده نمود.¹⁴ ولی بعدها با مهاجرت استادان حوزه علمی گندی شاپور به بغداد، آن دانشگاه و بیمارستان آن مقام سابق خود را به مرور از دست داد و نهایتاً بین سال های ۱۲۰ تا ۱۶۵ هجری بقیه ی مدرسه گندی شاپور نیز به بغداد انتقال یافت. به دستور هارون الرشید (۱۹۳ تا ۱۷۰ هجری) و زیر نظر جبرئیل یا جورجیس فرزند بختیشوع رئیس بیمارستان گندی شاپور نخستین بیمارستان پس از اسلام در بغداد بنا شد و سپس (به سال ۲۰۱ هجری) مامون «بیت الحکمه» را در بغداد به تقلید از گندی شاپور ساخت. ولی برابر نوشته کتاب حدود العالم من المشرق الی مغرب شهر گندی شاپور تا سال ۳۷۲ هجری هنوز آباد بوده ولی بعداً به کلی ویران شده و به جز چند تپه و ماهور چیزی از آن باقی نمانده است.¹⁵

بیمارستان جندی شاپور

اطلاع زیادی در مورد ساختار فیزیکی و محل دقیق بیمارستان جندی شاپور در شهر در دست نیست و به همین دلیل نیاز مبرمی به انجام تحقیقات باستان شناسانه در خرابه های جندی شاپور (واقع در روستای شاه آباد فعلی) به منظور روشن شدن طراحی و معماری شهر و مدرسه جندی شاپور وجود دارد.

در این قسمت از مطالعه سعی بر آن است تا با بررسی شواهد به جای مانده از آن دوران ابتدا به چگونگی ساختار و سیستم کارکرد این بیمارستان پرداخته شود، سپس نقش این ساختار در شکل گیری بیمارستان های دوره اسلامی به ویژه مکتب بغداد مورد ارزیابی قرار گیرد.

- 7- Zaydan, 2008: 124.
- 8- O'Leary, 1996: 112-3.
- 9- Najmabadi, 1992: 1/288.
- 10- Moein, 1997: 5/418 , 508.
- 11- Shhrvyny, 2003: 9.
- 12- Ahmadzadeh, 1989: 259.
- 13- Shhrvyny, 2003: 6.
- 14- Browne, 1986: 36-56.
- 15- Ahmadzadeh, 2009: 10.

بررسی های انجام شده نشان می دهد که پزشکی با عنوان «درستید» ریاست بیمارستان و همچنین مدرسه جندی شاپور را به عهده داشت که این مقفیع این عنوان فارسی را در عربی به «رأس الاطباء الفارس» ترجمه کرده است. باید در نظر داشت که درستید به عنوان حاذق ترین پزشک کشور هم زمان پزشک دربار و همچنین پزشک دادگاه نیز به شمار می آمد.¹⁶

نکته جالب توجه آنکه در این بیمارستان بر اساس مدارک موجود سطح قابل توجهی از تخصص گرایی وجود داشته و هر یک از پزشکان به درمان در حیطه تخصصی خود می پرداخته اند.¹⁷ ضمن اینکه در صورت نیاز بیماران به بیش از یک متخصص، با سایر پزشکان نیز مشاوره صورت می گرفته است (مشابه سیستم مشاوره امروزی).

علاوه بر این بیمارستان خوابگاه هایی را همراه با خدمات پزشکی ۲۴ ساعته برای بیماران فراهم ساخته بوده است. نکته قابل تأمل اینکه در این بیمارستان پزشکان بسیاری از قومیت ها و مذاهب مختلف بدون هرگونه اختلافی در کنار یکدیگر مشغول فعالیت بوده اند.¹⁸

در خصوص مدت زمان تحصیل در جندی شاپور اطلاعات دقیقی در دست نیست اما با توجه به اینکه طول دوره تحصیل در مدرسه Nusaybin که به عنوان یک مرکز علمی تأثیرگذار بر مدرسه جندی شاپور شناخته می شود و همچنین سایر مدارس اسلامی که با الگوگیری از جندی شاپور شکل گرفتند سه سال بوده، می توان حدس زد که احتمالاً طول این دوره در جندی شاپور نیز سه سال بوده است.¹⁹

برنامه آموزشی نیز در این مرکز به این صورت بوده که سال اول دانشجویان به فراگیری هندسه، ریاضیات، منطق و دروس دیگر می پرداختند که در این میان منطق و ریاضیات دروس اصلی محسوب می شده اند. در سال های بعد نیز کتاب های بقراط، جالینوس و «کتاب الحشاشیش» دسقیروطوس تدریس می شده است. گنجانیدن این مباحث در برنامه آموزشی با این هدف صورت می گرفته که دانشجویان علاوه بر فراگیری علم پزشکی توانمندی هایی را کسب کنند تا بتوانند در آینده در صورت نیاز بیمارستان های خود را تأسیس کنند.²⁰

علاوه بر این فلسفه نیز در جندی شاپور و سایر مراکز الگو گرفته از آن که عمیقاً تحت تأثیر آموزه های جالینوس بودند تدریس می شد، چرا که وی معتقد بود یک پزشک باید هم زمان یک فیلسوف هم باشد. این مسأله با تأثیرگذاری بر پزشکان آن دوره و تشویق آنان به آموختن فلسفه باعث علاقه مندی آنان به این علم هم شده بود به گونه ای که حتی برخی از این پزشکان به انتشار نظریات فلسفی خود نیز پرداختند.²¹

تأثیر بیمارستان و مدرسه جندی شاپور در تأسیس بیمارستان ها و مراکز درمانی بغداد

اولین محلی که در اسلام می توان بدان نام درمانگاه یا محل پرستاری بیمار نهاد، در صدر اسلام و در زمان پیامبر اکرم (ص) بود. توضیح آنکه در جنگ خندق سعد بن معاذ تیری خورد که به امر رسول الله (ص) در جنب مسجد الحرام چادری برپا کردند و سعد را در آن چادر، که متعلق به «رفیده» و برای مجروحین بود، گذاردند تا نزدیک مسجد الحرام باشد و پیامبر بتواند از سعد عیادت فرماید. پس از آن اولین کسی که در اسلام به تأسیس بیمارستان پرداخت ولید بن عبدالملک ششمین خلیفه اموی، که در سال (۸۶ هـ.ق) به خلافت نشست، می باشد. ولید بیمارستان مزبور را به سال (۸۸ هـ.ق) برای مردم زمین گیر و فلج، جذامیان، کوران و مساکین اختصاص داد و برای مخارج بیمارستان صدقات، اطباء و پرستارانی را تعیین کرد. بیمارستان مزبور در شهر دمشق بود که در حقیقت به نوانخانه بیشتر شباهت داشت، چرا که جذامیان و کوران در آن بودند. ولید امر نموده بود که بیماران از محوطه بیمارستان خارج نشوند. بودجه این بیمارستان از طرف خلیفه پرداخت می شد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که افتخار ابداع روش درمانی بیمارستانی از آن ایرانیان می باشد.^{22,23} بیمارستانهای دوره اسلامی اغلب بر اساس نمونه ها و اصول بیمارستانی ساسانی جندی شاپور ساخته شده بودند. ابتدا مسیحیان و یهودیان در بیمارستان های بغداد موفق و ممتاز بودند؛ ولی بعداً طی سالیان دراز جندی شاپور بود که پزشکان، بیمارستان ها و مؤسسات نوین عرب را تأمین می کرد. به این

- 16- Mohammadi, 1987: 274-5.
- 17- Shhrvyny, 2003: 155-6.
- 18- Ibid:157.
- 19- Mehmet Mahfuz, n.d.: 22:2 .
- 20- Ibid.
- 21- Ibid.
- 22- Elgood, 2007: 203.
- 23- Zaydan, 2008: 607.



ترتیب به مدت ۳ الی ۴ قرن طب بغداد از جندی شاپور پیروی می نموده است. طبیبی که از جندی شاپور به بغداد می آمدند در کار طبابت بسیار موفق بودند، لذا وقتی که از طبیی عرب نژاد بنام اسد بن جانی پرسیدند که چرا بیماران به تو التفاتی ندارند؟ پاسخ داد که: «زیرا نام من اسد است، نه یوحنا، یحیی و... همچنین دین من اسلام است، در حالیکه باید مسیحی یا یهودی می بودم. پدرم نیز طبیب نبوده است و این حرفه را به من نیاموخته است. زبان من نیز عربی است، حال آنکه باید به زبان مردم جندی شاپور سخن می گفتم و لباس من ردایی عربی است و فاقد زنار و دستار جندی شاپوریان می باشد. این همه دلایل باعث کسادی حرفه من گشته است».^{25,24}

یکی از مراحل که دانشجویان پزشکی در جهان اسلام برای ورود به این حرفه می بایست آن را پشت سر بگذارند، بیمارستان و تحصیل علمی در آنجا بود. بیمارستان ها در دوره ی اسلامی به سرعت پدیدار شدند و به درجه ای از تکامل رسیدند که کشورهای غربی مسیحی تا مدت ها بعد به آن نائل نشدند.²⁶ متأسفانه آگاهی ما از آموزشی که در بیمارستان ها داده می شد، بسیار اندک است. ظاهراً بسیاری از پزشکانی که در بیمارستان ها خدمت می کردند، می بایست مدتی را به تدریس بگذارند. بعضی از بخش های بیمارستان هم به مجالس (کلاس های درس) اختصاص می یافت.

دومین بخش مرکز علمی جندی شاپور بیمارستان آن بود که در کنار مدرسه شهرتی بزرگ یافت و تا اواسط سده سوم هجری / نهم میلادی محل رجوع بود و پزشکان ایرانی و هندی و سریانی در آنجا به کار مشغول بودند. بیمارستان جندی شاپور که در روزگار اسلام از مهمترین نمونه بیمارستان های اسلامی بود و روش های خود را در پزشکی بالینی به دنیای اسلام منتقل می ساخت، تا آنگاه که به واسطه گسترش دانش پزشکی در شرق اسلامی و فزونی بیمارستان در بغداد و شهرهای دیگر به تقلید از جندی شاپور رو به انقراض نهاد، بسیار مورد توجه بود.^{29,28,27}

تأثیر بیمارستان جندی شاپور و پزشکان ایرانی در بیمارستان اسلامی، گذشته از هماهنگی نمودار سازمانی جندی-شاپور با بیمارستان های ایران، عراق و جزیره و حتی دمشق و قاهره، از آنجا معلوم می شود که واژه ی فارسی «بیمارستان» به همین شکل یا به صورت «مارستان» از همان روزگار وارد زبان عربی شد و تا امروز رواج دارد.³⁰ در پژوهش های مربوط به تاریخ بیمارستان ها در اسلام به این نکته باید توجه داشت که گسترش واقعی و قابل ملاحظه ی بیمارستان ها بیشتر در روزگار قدرت خلفا و سلاطین صورت پذیرفته است. چراکه به علت هزینه ی سنگینی که تأسیس بیمارستان ها داشت، معمولاً سلاطین و خلفا آنها را دایر می کردند ولی به هیچ وجه فقط در دست مسلمانان نبود. چنانچه جبرئیل بن بختیشوع، سنن بن ثابت و ابن بطلان مسیحی، بیمارستان هایی در بغداد، میافارقین و انطاکیه، زیر نظر خود برپا داشتند.³¹ بطور کلی کارکنان، دانشجویان و بیماران شامل اهل همه ی ادیان بودند. بانیان بیمارستان ها برای تأمین مقرری ها و هزینه ی نگهداری این مؤسسات و شاید برای کمک به امرار معاش دانشجویان، موقوفاتی برای بیمارستان ها قرار می دادند و این رسم تا امروز نیز باقی است. با این همه، تاریخ سرگذشت نخستین بیمارستان هایی که در آغاز خلافت عباسی بنیاد گشت، تا اندازه ای مبهم است.³² لازم به ذکر است که خلفای عباسی در دوره اول خلافت علاوه بر تأسیس مدارس پزشکی و راه اندازی بیمارستان ها، به برگزاری سمینارهای پزشکی در موسم حج نیز اهتمام می ورزیدند. در این سمینارها، دانشمندان با ارائه تحقیقات خود در زمینه های پزشکی و گیاهان دارویی به تبادل نیز می پرداختند.³³ حاکمان آل بویه نیز از این قافله عقب نماندند. برای اولین بار معزالدوله در سال ۳۵۵ هجری بیمارستانها را کنار زندان معروف بغداد برپا ساخت و اوقاف و املاکی با درآمد سالانه پنج هزار دینار برای آن تعیین نمود.^{35,34} محل آن زندان بغداد معروف به زندانجدید بود. البته معزالدوله قبل از اتمام بنای آن وفات یافت.³⁶ از مشهورترین بیمارستان های معروف بغداد می توان به بیمارستان عضدی بغداد اشاره کرد که بر اساس بیمارستان جندی شاپور ساخته شده.³⁷ این بیمارستانی مدت سه ساله احداث و در سال ۳۷۱ هـ ق در غرب بغداد گشایش یافت.³⁸ برخی از بیمارستانهای عراق که بیش از همه از جندی شاپور تأثیر پذیرفتند به این قرارند:

- 24- Browne, 1986: 7.
- 25- Elgood, 2007: 202.
- 26- Laser, 1987: 66.
- 27- Elgood, 2007: 173.
- 28- Eqbal Ashtiani, 1972: 133.
- 29- Bik, 1993: 61.
- 30- Golshani, 2012: 74.
- 31- Ibid.
- 32- Ghnymh, 1986: 170.
- 33- Mkki, 2005: 352.
- 34- Tadjbakhsh, 2001: 35.
- 35- Mez, 1986: 2/420.
- 36- Najmabadi, 1992: 1/775.
- 37- Frye, 1985: 361.
- 38- Nakhjavani, 1979: 270-1.



بیمارستان رشیدی

نخستین بیمارستان بغداد که مستقیماً از روی نمونه ی جندی شاپور بنا گشت.³⁹ بیمارستانی است که به دستور هارون الرشید در بغداد ساخته شد و به بیمارستان رشیدی موسوم گشت. هارون الرشید برای ساختن این بیمارستان از جبرئیل بن بختیشوع خواست بیمارستانی در بغداد تأسیس کند. وی دهشتک، رئیس جندی شاپور را به این کار دعوت کرد. جبرئیل دهشتک (دهدشت) پزشک را که از استادان ماهر بیمارستان جندی شاپور بود به سمت ریاست بیمارستان بغداد گماشت، اما وی پس از چندی به علت آن که بیمارستان بودجه معین و مشخص نداشت، استعفا کرد و پسر برادر خود «میخائیل» را به جای خود گذارد. او نیز به همین دلیل استعفا کرد و روانه جندی شاپور شد. پس از آن خلیفه ریاست این بیمارستان را به ماسویه خوزی از پزشکان بیمارستان جندی شاپور داد.^{40,41,42} ماسویه در اینجا زیر نظر جبرئیل و به تشویق او بیمارستانی به سبک جندی شاپور برآورد که تا مدت ها از نظر اداری تابع جندی شاپور بود و به احتمال قوی پزشکانش را نیز جندی شاپور تأمین می کرد.⁴³ از پایان کار این بیمارستان اطلاعی در دست نیست.

بیمارستان برامکه

دکتر فرشاد درباره نخستین بیمارستان اسلامی می گوید: «اولین بیمارستانی که به دستور مدیران ایرانی بر پایه سنن جندی شاپور در خارج ایران بنا شد، بیمارستان برامکه در بغداد بود».⁴⁴

بنا به گفته ابن ندیم شخصی به نام ابن دهن از مترجمان هندی، ریاست آن را به عهده داشت.⁴⁵ احتمالاً این بیمارستان زودتر یا همزمان با بیمارستان رشیدی در بغداد ساخته شده است ولی در این مورد که بیمارستان برامکه همان بیمارستان رشیدی بوده است باید این احتمال را رد کرد زیرا همان طور که گفته شد، جبرئیل ریاست بیمارستان بغداد را به دهشتک از استادان جندی شاپور سپرد و او بعدها به دلیل نداشتن بودجه معین، از ریاست آن دست کشید و پس از او میخائیل به این مقام نائل شد که او هم به جندی شاپور بازگشت.⁴⁶ در نتیجه می توان نتیجه گرفت که بیمارستان برامکه و رشیدی بغداد یکی نبوده اند.

بیمارستان ابوالحسن علی بن عیسی

در سال ۳۰۲ هجری / ۹۱۴ میلادی، ابوالحسن علی بن عیسی جراح وزیر به پیشنهاد ثابت بن سنان و نظارت ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی، مترجم و سرپزشک بیمارستان های بغداد، بیمارستانی در بخش غربی بغداد در ناحیه حریبه بنا کرد.^{47,48}

بیمارستان ابن فرات

در سال ۳۱۳ هجری ابوعلی محمد بن عبیدالله بن یحیی بن خاقان وزیر المقتدر، به ساخت بیمارستانی در ناحیه درب مفضل بغداد اقدام نمود که ابن فرات با ماهی ۲۰۰ دینار اداره این بیمارستان را به عهده گرفت.^{49,50}

بیمارستان سیده

در سال ۳۰۶ هجری / ۹۱۸ میلادی به پایمردی ابوسعید سنان بن ثابت بن قره بیمارستانی در بازار یحیی برکنار رود دجله به نام سیده مادر مقتدر بنا شد و وی خود در آنجا به کار مشغول گشت.⁵¹ بیمارستان سیده در هر سال ۷۰۰۰ دینار و به قولی هر ماه ۷۰۰ دینار از یوسف بن یحیی منجم مقرری می ستاند.⁵²

بیمارستان مقتدری

به نقل از صاحب تاریخ منتظم ناصری در سال ۳۰۶ هجری / ۹۱۸ میلادی المقتدر بالله به اشاره ی سنان بن ثابت بن قره، بیمارستانی به نام خلیفه تأسیس نمود. سنان نیز در باب الشام (دروازه شام) یعنی غرب بغداد بیمارستانی بنا کرد و آن را مقتدری نامید و هر ماه ۲۰۰ دینار از ثروت خود برای آن مقرر داشت. جبرئیل بن عبیدالله نواده ی بختیشوع دوم توسط یوسف الواسطی تعلیم پزشکی یافت،^{53,54} و سپس در همانجا به طبابت پرداخت.⁵⁵ شاید علت تأسیس این چهار بیمارستان بزرگ در مدت ۸ سال، این بود که در سالهای ۳۰۱ و ۳۰۲ بیمارهای عفونی و امراض دموی ناگهان شیوع یافت، بنابراین خواستند تا کوتاهی و قصوری که در قرن سوم در

- 39- Laser, 1987: 66.
- 40- Najmabadi, 1988: 2/94.
- 41- Sami, 1987: 231.
- 42- Bik, 1993: 178.
- 43- Mohammadi, 1972: 21.
- 44- Farshad, 1988: 2/748.
- 45- Ibn Nadim, 1968: 466, 536.
- 46- Najmabadi, 1988: 2/94.
- 47- Bik, 1993: 179.
- 48- Ravandi, 2004: 10/293.
- 49- Tadjbakhsh, 2001: 35.
- 50- Bik, 1993: 115.
- 51- Ibid: 182-3.
- 52- Ibn Alqfity, 1969: 133.
- 53- Etemad alssaltaneh, 1989: 1/235.
- 54- Elgood, 2007: 158.
- 55- Bik, 1993: 184.



امر تأسیس بیمارستانها شده جبران شود.⁵⁶ صاحب کتاب تاریخ الفی سال تأسیس بیمارستان مقتدری را در سال ۲۹۵ هجری/ ۹۰۷ میلادی و مقرر می‌ماهانه ۶۰۰ دینار دانسته است.⁵⁷

مسلم رازی در مدتی که در بیمارستان ریاست داشته در یکی از بیمارستانهای اخیر به امر معالجه و مداوای بیماران اشتغال داشته و طبای بسیاری تحت نظر او نکات پزشکی را می‌آموخته‌اند. در این زمان علم پزشکی چنان ترقی کرد که چند سال پس از مرگ رازی، مقتدر به علت تشخیص نادرستی که یکی از اطباء داده بود دستور داد که محتسبان پزشکی را که امتحان به «سنان» نداده‌اند از معالجه بیماران منع کنند. امتحان انجام شد و تعداد امتحان‌دهندگان بیش از ۸۶۰ نفر بود؛ با اینکه پزشکان خلیفه و طبای مشهور از این امر مستثنی بودند.⁵⁸

نتیجه گیری

جندی شاپور که پس از غلبه سلسله ساسانیان بر امپراتوری روم توسط شاپور اول بنا نهاده شد، با در بر گرفتن پنج بخش اصلی مشتمل بر بیمارستان، دارالترجمه (دارالعلم)، کتابخانه، آزمایشگاه داروسازی و رصدخانه به عنوان مهم ترین مرکز علمی جهان در آن دوران نقش بسیار مهمی را در پیشرفت هرچه بیشتر علوم مختلف مخصوصاً علم طب و فلسفه ایفا کرد. گردهمایی جمعی از برجسته ترین پزشکان، فیلسوفان و اندیشمندان از قومیت ها و مذاهب مختلف در این مرکز، فرصت کم نظیری را برای توسعه علوم و معارف مختلف فراهم آورد که کمتر در طول تاریخ شاهد آن بوده ایم. پویایی و اعتبار علمی این مرکز به حدی بود که علاوه بر تأثیر گذاری عمیق بر فرهنگ و تمدن اسلامی، انتقال آن به مرکز خلافت عباسیان موجب شکوفایی و اعتلای دارالعلم در بغداد شد؛ تا آنجاییکه بیشتر بیمارستان های مطرح در دوره خلفای عباسی با الهام از بیمارستان جندی شاپور ساخته شده و در اغلب موارد ریاست این بیمارستان ها بر عهده اساتید آموزش دیده در دانشگاه و مکتب جندی شاپور بوده است. با این حساب می توان این گونه نتیجه گیری کرد که سهم مکتب جندی شاپور در شکل گیری مکتب پزشکی بغداد به حدی است که می توان اساس شکل گیری مکتب پزشکی در جهان اسلام به ویژه مکتب بغداد را بر پایه مکتب علمی جندی شاپور دانست.

References

- Ahmadzadeh A. "Background Jundishapur University". *Jundishapur Scientific Medical Journal* 1989; 7(1): 259. [in Persian]
- Bik, 'Isā Aḥmad (1993). *Hospitals in Islamic history*. Translated by Kassai N. Tehran: Iranian Institute for Knowledge and Research. [in Persian]
- Browne EG. *Arabian medicine*. Translated by Rajabneya M. Tehran: Scientific and Cultural. 1986. [in Persian]
- Elgood CL. *Medical history of Persia and the Eastern Caliphate*. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007. [in Persian]
- Eqbal Ashtiani A. *Proceedings Iqbal Ashtiani*. Tehran: Khayyam. 1972. [in Persian]
- Etemad alssaltaneh MH. *Tarik Montazm Naseri*. Vol 1. Tehran: Book World. 1989. [in Persian]
- Farshad M. *History Science of Iran*. Tehran: Amir Kabir. 1988. [in Persian]
- Frye RN. *The Cambridge history of Iran*. Translated by Anusheh H. Tehran: Amir Kabir. 1985. [in Persian]
- Ghirshman R. [*Iran Des origines A L'Islam*]. Translated by Moein M. Tehran: Translation and Publication Board. 1958. [in Persian]
- Ghnyimh A. *History of Islamic Universities*. Translated by Kesayee N. Tehran: Yazdan. 1986. [in Persian]

56- Ravandi, 2004: 10/293.

57- Ttvy, 2004: 3/1709.

58- Ravandi, 2004: 10/293.



- Golshani SAR. *Medical History In Bani Abbas Era (A.D 750-1258 / 132-656 A.H)*. Supervised by Dr. Foroozani SA. M.A.Thesis in Islamic History. Shiraz University. February 2012. [in Persian]
- Ibn Alqfty JA. *Tarīk al-Hekma*. Corrected by Darayy B. Tehran: Tehran University. 1969. [in Persian]
- Ibn Nadim MA. [*Alfihrist*]. Translated by Tajaddod MR. Commercial Bank of printers. Second edition.1968. [in Persian]
- Laser G. “Medical Education in Islamic Lands from the First to the Eeighth Century AH” , translated by Alam H. *Islamic studies, Islamic Encyclopedia Foundation Publication*, No. I, Spring and Summer. 1987. [in Persian]
- Mehmet Mahfuz S. “The Jundishapur School: Its History, Structure, and Function”. *Am J Islam Soc Sci* n.d.; 22:2. [in English]
- Mez, A. *Islamic civilization in the fourth century or the Islamic Renaissance*. Translated by Zekavati Qragzlu AR. Tehran: Amir Kabir. Second edition. 1986. [in Persian]
- Moein M. [*Farhange-e Moein*]. Vol 5. (Declared). Tehran: Amir Kabir Publications. Ninth edition. 1997. [in Persian]
- Mkki, MK. *Islamic civilization in Abbasid’s period*. Translated by Sepehri M. Tehran: Samt. 2005. [in Persian]
- Mohammadi M. *History Culture of Iran*. Tehran: Toos. 1987. [in Persian]
- Mohammadi M. *Iranian civilization and culture before Islam and its traces and impact on Islamic civilization and Arab literature*. Tehran: Scientific and Cultural Publishers. Second edition. 1972. [in Persian]
- Najmabadi M. *History medicine of Iran*. Vol 1. Tehran: Tehran University. 1992. [in Persian]
- Najmabadi M. *Medical history of Islam after the Mongol invasion*. Tehran: Tehran University. Second edition. 1988. [in Persian]
- Nakhjavani HS. *Tajreb Alsif: The Chronicles Caliphs and their ministers*. Corrected by Eqbal Ashtiani. Tehran: Tahoori. Third edition.1979. [in Persian]
- O’Leary DE. *How Greek science passed to the Arabs*. Translated by Aram A. Tehran: Center for Academic Publication. 1996. [in Persian]
- Ravandi M. [*De l’histoire sociale*]. C 10. Tehran: Negah publication. Deuxième édition. 2004.[in persian]
- Sami A. *Iran’s role in Islamic culture*. Shiraz: Navid Shiraz. 1987. [in Persian]
- Shhrvyny, M. *Jundishapur University of History Rocking*. Tehran: Purshad. 2003. [in Persian]
- Tadjbakhsh H. *History of Iran Hospitals (from the beginning to the present day)*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. 2001. [in Persian]
- Ttvy A. Ghazvini A. et al. *Alfy history (millenial history of Islam)*, Corrected by Tabatabaei Majd GR. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Co. 2003. [in persian]
- Zaydan J. *History of Islamic Civilization*. Vol 5. Translated by Javaher Kalam GR. Tehran: Amir Kabir. 2008. [in Persian]

